



اصرار اوکراین به گسترش دامنه‌منزاعه

اسماعیل بقایی‌هامانه، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست هفتگی خود با خبرنگاران در مورد تصمیم اوکراین مبنی بر لغو قرارداد پروازی بین ایران و اوکراین و صحبت‌های زلنسکی مبنی بر اینکه ایران موشکی به روسیه برای حمله به اوکراین نداده است، گفت: «صحبت‌های آقای زلنسکی کاملاً گویا بود و ایشان صراحتاً اعلام کردند که ایران موشکی به روسیه تحویل نداده است و این اظهارات، نمونه‌ای بود که نشان داد مبنی اقدامات ایدئولوژی کشورهای اروپایی علیه ایران چه مبنی سستی دارد. آمریکایی‌ها نیز این ادعاها را مطرح کردند و سپس اقدام به وضع تحریم علیه ملت ایران کردند.» وی در ادامه صحبت‌های خود گفت: «واقعیت این است که این سوال پیش می‌آید که چه نفعی وجود دارد که برخی از مقامات اوکراین به دنبال گسترش دایره منازعه اوکراین هستند در حالی که ایران از همان ابتدا اعلام کرد که ما بخشی از منازعه اوکراین نیستیم.» وی گفت: «متأسف هستیم که برخی از مقامات اوکراینی بر بیان ادعاهای ضدایرانی خود اصرار می‌کنند.»



دیدارهای گروسی در تهران

معاون وزیر امور خارجه از دیدار مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در جریان سفر آتی وی به تهران خبر داد. به گزارش ایرنا، کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای دیدار دوروزه از ایران، چهارشنبه شب وارد تهران خواهد شد. معاون حقوقی و بین‌المللی وزیر خارجه تأکید کرد: «این سفر در ادامه تعاملات ایران و آژانس و همچنین در راستای بیانیه مشترک ۴ مارس ۲۰۲۳ دو طرف انجام می‌شود.» وی ادامه داد: «آقای گروسی با رئیس محترم جمهور، وزیر امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی دیدار خواهد کرد.» غریب‌آبادی گفت: «بنای ایران بر تداوم همکاری با آژانس در چارچوب تعهدات پادمانی خود است؛ مگر اینکه برخی کشورهای انگیزه‌های سیاسی به دنبال آسیب‌زدن به تلاش‌های مدیرکل و روابط‌روبه‌جلوی ایران و آژانس باشند.»



درگیری ایران و اسرائیل نمی‌تواند دائمی شود

مشاور دیپلماتیک رئیس‌امارات متحده عربی در اظهاراتی «خشونت سازمان‌یافته» علیه فلسطینیان را «مجرمانه و غیرقابل قبول دانسته» و درباره درگیری‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی نیز گفت که این تنش‌ها نمی‌تواند ویژگی دائمی چشم‌انداز راهبردی منطقه غرب آسیا باشد. به گزارش ایسنا، انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک رئیس‌امارات متحده عربی از جهان خواست بر رنج غیرنظامیان و تنش‌زدایی در جنگ‌های ادامه‌دار منطقه متمرکز شوند. قرقاش گفت: «پیچیدگی‌های منطقه مستلزم حفظ آرامش و دیدشفاف و نامتناقض است. تحولات اخیر در منطقه میان اسرائیل و ایران نمی‌تواند یکی از ویژگی‌های دائمی چشم‌انداز راهبردی منطقه ما باشد. باید در چارچوب روش‌های سیاسی به این موضوع پرداخته شود.»

این بحران، اعمال ناهمگن سیاست‌ها و ارزش‌های اساسی آمریکا را آشکار کرد و نشان داد که در مورد اسرائیل، به‌طور مدام استثنا قائل می‌شود آمریکا را به مخاطره می‌اندازد. در این میان واشنگتن عمدتاً پیامدهای اقدامات خود را در «خیابان‌های عرب» نادیده می‌گیرد. دیپلماسی میانجی‌گری بلینکن در سراسر خاورمیانه در طول سال گذشته این تصور را دارد که دست دادن با رهبران اردن، مصر و کشورهای حاشیه خلیج فارس برای حفظ ثبات در خاورمیانه کافی خواهد بود. این تصوری جاهلانه و خطرناک است.

در گزارش‌های روزانه که بالاتر گفته شد، یکی از نویسندگان این مقاله اعتراضات خودجوش و مکرر در سراسر جهان عرب در واکنش به ویرانی غزه را برای واشنگتن مستند کردند. این اعتراضات اغلب خشمی را علیه اسرائیل و حتی آمریکا و رژیم‌های «میان‌رو» عرب به‌همراه داشتند. سطح خشم یادآور دوران پیش از بهار عربی است، با این وجود اکنون با ترومای نسل‌کشی آشکار همراه است. به‌رغم هشدارها و گوش‌زدهای دیپلمات‌ها مبنی بر اینکه خیابان‌های کشورهای عربی را نمی‌توان نادیده گرفت، چه از نظر اثرات آن بر روابط آمریکا و چه از نظر ثبات در خاورمیانه، وزارت خارجه به سیاست‌های سرسختانه خود ادامه می‌دهد و امنیت ملی آمریکا را به‌خطر می‌اندازد.

متصدیان که با عدم توانایی برای ایجاد تغییر در سیاست رویه‌رو هستند، رویکرد متفاوتی را به کار گرفتند. برخی در بوروکراسی باقی ماندند و سخت تلاش می‌کنند تا برخی از بدترین پیامدهای احتمالی را کاهش دهند و برای مسائلی از کمک‌های بشردوستانه تا دیپلماسی منطقه‌ای تلاش می‌کنند. صداهای برخی به‌دلیل ابراز نگرانی ساکت شدند که منجر به ایجاد خودسانسوری در وزارتخانه شده است. برخی از دیپلمات‌هایی که در خاورمیانه کار می‌کنند موقعیت‌هایی را در خارج از منطقه خواستار شدند یا به آنها پیشنهاد شد: امری که به آنها اجازه می‌داد تا از این موضوعات فاصله بگیرند و روی دیگر مسائل جهانی کار کنند. خیلی‌های دیگر تصمیم گرفتند که بهترین کار این است که سر خود را پایین بیندازند و بیشتر تضمین کنند که سوابق تاریخی نشان می‌دهد آمریکا چه می‌داند و چه زمانی آن را می‌داند. باید پذیرفت که عده بسیاری از مقامات تلاش می‌کنند تا با تقویت این نسل‌کشی از نظر حرفه‌ای سودی ببرند؛ حتی زمانی که می‌دانند در جهت منافع آمریکا نیست. عده کمی در مسیر دیگری حرکت کردند و تصمیم گرفتند که نمی‌توانند شریک جرم چنین سیاست‌هایی باشند، در سکوت استعفا دادند یا در چندین مورد (که نویسندگان این مقاله هم در میان آنها قرار دارند) استعفا خود را علنی کردند تا توجه‌ها را به نقض قانونی که آنها معتقد بودند در حال اجراست و آسیبی که به منافع آمریکا در منطقه و سراسر جهان وارد می‌شود، جلب کنند. سال گذشته برای بسیاری از دیپلمات‌ها تجربه شگفت‌آوری بود. حتی برای کسانی مثل نویسندگان این مقاله که باور دارند آمریکا می‌تواند نیروی خوبی در جهان باشد، واضح است که چیزی در وزارت خارجه و بدنه سیاسی آمریکا فاسد شده است و تبعات آن برای این نهاد و آمریکا قابل توجه خواهد بود. این مسائل شامل دلسردی و بی‌انگیزگی است که کارکنان فعلی احساس می‌کنند و همانطور که از کارآموزها، همراهان و متقاضیان بسیاری که درخواست‌هایشان برای ورود به وزارتخانه همچنان در مرحله بررسی قرار دارد، شنیده شده، اشتیاقی برای کار کردن در وزارت خارجه کاهش شدیدی داشته است. آمریکایی‌ها همچنین باید نگران اثرات ماندگار پیشینه‌ای باشند که برای وزارتخانه ایجاد شده باشد تا راه‌های خلافت‌های را برای قانونی را کنار بگذارند که کمک‌های امنیتی و ارسال سلاح را تسهیل می‌کند.

با این حال دلیلی برای امیدواری وجود دارد. دامنه اختلاف‌نظرها در سراسر وزارت خارجه نشان می‌دهد که چه تعداد از افراد وظیفه‌شناس همچنان خدمت می‌کنند و در عین حال نیاز به حمایت مشترک و قدرتی که در تعداد زیاد وجود دارد به ایجاد شبکه‌هایی از کارکنان همفکر شده که بر این بحران کنونی غلبه می‌کنند و چارچوبی را برای سازماندهی‌های آینده در داخل دولت ایالت متحده به‌جای می‌گذارد. همزمان نادیده گرفتن برخی از واقعیت‌های زشت مثل نژادپرستی و تعصب نهفته که به وزارتخانه اجازه می‌دهد تا چشمان خود را در برابر رنج فلسطینی‌ها ببندد، غیرممکن می‌شود. بر جسته کردن چنین واقعیت‌هایی به آنها اجازه می‌دهد تا این مسائل به‌طور کامل و به‌درستی مورد بررسی قرار بگیرند.

این به‌رحم میراث مطبوعی برای دولتی است که علناً از ارزش‌هایی مثل تنوع‌پذیری، برابری، پذیرش همه و در دسترس بودن حمایت می‌کند و در عین حال صداهای غیرسفیدپوستان را خاموش می‌کند و جان غیرسفیدپوستان را نادیده می‌گیرد اما در مورد میراث دولت یابین و وزارت خارجه بلینکن می‌توان به این موارد، حمایت از کشتن غزه و تضعیف نظم جهان مبتنی بر قانون را هم اضافه کرد. افرادی که در داخل وزارت خارجه اختلاف‌نظر دارند می‌خواهند وارد مسیر متفاوتی شوند اما فقط زمان خواهد گفت که آیا آنها در ایجاد تغییر در بوروکراسی موفق بوده‌اند یا نه.

سوی بایدن منصوب شده و معتقد است دولت از هویتش استفاده نظامی می‌کند تا نظامی‌گری را میسر کند. افراد دیگری هم وجود دارند که استعفا داده‌اند که نه مستقیماً با سیاست سر و کار داشتند نه هیچ ارتباطی با درگیری اما وجدان‌شان دیگر به‌آنها اجازه نمی‌داد در دولت باقی بمانند که عمداً صداهای کارشناسان را ساکت می‌کرد و از تغییر سیاست فاجعه‌بار امتناع.

با اینکه کانون تمرکز اختلاف عقیده در واشنگتن قرار داشت، اما از سوی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های آمریکا در خارج از کشور هم بر وزارت خارجه فشار وارد می‌شد. در خاورمیانه، دیپلمات‌های آمریکایی در سراسر منطقه در جلسات استماع و از طریق کانال‌های رسمی ابراز تأسف می‌کردند که سیاست واشنگتن در غزه باعث شده روابط با طرف‌های گفت‌وگو در کشورهای میزبان که فاصله گرفتن از آمریکا را آغاز کردند، تیره شود. این امر در سراسر مجامع، مثلاً در تبادلات فرهنگی آمریکایی و آموزشی که به «قدرت نرم آمریکا» شناخته می‌شود و همچنین در روابط اقتصادی اثراتی را به همراه داشت، جریان داشت. از زمان «جنگ جهانی علیه ترور» وزارت خارجه آمریکا تلاش‌های بسیاری کرده تا تصویر آمریکا در جهان عرب را بازسازی کند، که بیشتر آن به شکل دیپلماسی مردمی صورت گرفته است. تبادلات آموزشی و فرهنگی ملزومات هرروزه دیپلماسی عمومی است. حتی این برنامه‌های بی‌ضرر هم به‌دلیل ادامه حمایت‌های نظامی آمریکا از اسرائیل به‌رغم شواهد کشتار گسترده در غزه تحت‌تأثیر قرار گرفتند. دیپلمات‌ها اعلام کردند که فارغ‌التحصیلان برنامه‌های تبادلی دیگر نمی‌خواهند با آمریکا، کشوری که هم‌اکنون از «کودک‌کش‌ها» حمایت می‌کند، همکاری داشته باشند.

بخش دیپلماسی عمومی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها در سراسر جهان همچنین مسئولیت ایجاد و حفظ روابط با رسانه‌های محلی را برعهده دارند اما با این حال سکوت گوش‌خراش آمریکا در قبال کشتار ده‌ها تن از روزنامه‌نگاران در غزه، حفظ این روابط را به‌طور فزاینده‌ای مشکل‌زا و در مواردی غیرممکن کرده است. در برخی از کشورها، روزنامه‌نگاران دیگر حاضر به ملاقات با مقامات دیپلمات نیستند، در بقیه کشورها، سوءظن‌ها به دیپلمات‌های آمریکایی به‌طور تصاعدی افزایش پیدا کرد. با تمام اینها، آمریکا احترام‌انگیزی را که قبلاً از این کشور دفاع می‌کردند، از دست داد. آنها سوال‌هایی را مطرح می‌کردند، مثل «فکر می‌کردم کشوری دارای آزادی رسانه هستید؟ جان روزنامه‌نگاران عرب مهم نیست؟»

یکی از نویسندگان این مقاله به‌عنوان یکی از سخننگوهای وزارت خارجه در جهان عرب از واشنگتن درخواست کرد تا بیانیه‌ای را در حمایت از آزادی رسانه و در جهت نیاز به تضمین محافظت از روزنامه‌نگاران در غزه منتشر کند. پاسخی که از وزارت خارجه دریافت کرد این بود که این اقدام بسیار بحث‌برانگیز است و یادداشت داخل سازمانی مبنی بر پیشنهاد بیانیه عمومی همان ابتدا رد شد. پس از اصرارهای مکرر مبنی بر اینکه سکوت واشنگتن به‌خودی خود نشان‌دهنده استانداردهای دوگانه آشکار است، در نهایت توثیقی کوتاه و با لحنی ملایم که به اسرائیل اشاره مستقیم نمی‌کند و بیانیه‌ای از تریبون منتشر شد. وزارت خارجه، نهادی که معمولاً سرکوب آزادی رسانه را به‌سرعت محکوم می‌کند، خود شکست خورد و همچنان دیگران را ناامید می‌کند و حتی در مورد اصول بنیادی آزادی رسانه، استثنایی را برای اسرائیل قائل می‌شود.

با از بین رفتن اعتبار آمریکا، دیپلمات‌های آمریکایی در خاورمیانه و فراتر از آن دوران سختی را می‌گذرانند تا درباره هر گونه موضوعی که دارای اهمیت ژئواستراتژیک است، صحبت کنند. مثلاً پیام‌های آمریکا درباره جنگ در اوکراین اکنون از دریچه استانداردهای دوگانه دیده می‌شود. روزنامه‌نگاران عرب حالا اغلب سوال می‌کنند چرا آمریکا برای جان کودکان اوکراینی بیشتر از کودکان فلسطینی اهمیت قائل است. مشابه آن، ارزش‌هایی که زمانی نشانه‌های مهم دموکراسی آمریکایی تصور می‌شدند، مثل حقوق بشر و آزادی رسانه، اکنون برای اشاره به نفاق آشکار آمریکا در مورد مسئله فلسطین استفاده می‌شوند.

در طول دوران پرتلاطم از جمله «جنگ علیه تروریسم»، جنگ در عراق و حمایت آمریکا از جنگ عربستان سعودی در یمن، سیاست خارجی آمریکا در سراسر خاورمیانه به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفت. با این وجود، در میان بسیاری در جهان عرب، آمریکا حداقل در داخل هنوز عموماً از حقوق بشر دفاع می‌کرد، و لیبرال‌ها در سراسر منطقه آزادی‌هایی که آمریکایی‌ها از آنها برخوردار بودند، مثل آزادی در اعتراض را تحسین می‌کردند. با این حال، این تصور از بین رفت، نه‌تنها با نقض عامدانه حقوق بشر بین‌المللی و قوانین آمریکا از طریق تجهیز اسرائیل به سلاح بلکه به‌دلیل سرکوب شدید شهروندان آمریکایی؛ بر جسته‌ترین آنها دانشجویانی که علیه اقدامات اسرائیل در غزه اعتراضات مسالمت‌آمیز به‌راه انداخته بودند. هرگونه تصویر اتوپیک است که از دموکراسی آمریکایی به‌جای مانده بود، نابود شده است. دیپلمات‌های آمریکایی در سراسر جهان عرب با نمایندگانی روبه‌رو هستند که می‌گویند آمریکا دیگر هیچ‌وقت نمی‌تواند درباره حقوق بشر سخنرانی کند.



داشت، به دستوراتی مستقیم از سوی ارشدترین مقامات وزارت خارجه تبدیل شد که تأیید شوند و اینکه «مسائلی» مثل نگرانی درباره حقوق بشر را می‌توان در عرض چند ساعت حل کرد.

حتی فرآیند مورد احترام آگاه‌سازی کنگره، تا دسامبر ۲۰۲۳ به نفع تسریع ارسال تسلیحاتی مانند تانک و مهمات از طریق مقامات امدادی کنار گذاشته شد. در همین حال، وزارت خارجه تبدیل محموله‌های انتقال سلاح‌های سنگین به چندین محموله کوچکتر ده‌ها ساله سابقه (و احتمالاً، قانون آمریکا) را کنار می‌زند تا از شفافیت عمومی و شرم‌ندگی سیاسی «آستانه اطلاع‌رسانی قانونی» را که در آینده اتفاق می‌افتد، جلوگیری کند.

در داخل وزارتخانه، اقدامات این‌چینی مبنی بر تسریع ارسال تسلیحات، به‌ویژه با توجه به افزایش تلفات غیرنظامیان و خشونت حملات اسرائیل در غزه، برای چند ماه اول پس از هفتم اکتبر با اعتراضات بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شد.

کانال اختلاف عقیده (سیستم پیام‌دهی برای کارکنان وزارت خارجه و دیگر شهروندان آمریکایی که در استخدام وزارت خارجه و آژانس توسعه بین‌المللی که برای ابراز انتقاد سازنده از سیاست‌های دولت استفاده می‌شود) ابرازی محافظت‌شده برای کارکنان وزارت خارجه است تا اهداف سیاسی را با مافوق خود در میان بگذارند. در ماه‌های پس از هفتم اکتبر، جمعی از کارکنان در سراسر وزارت خارجه ۹ پیام انتقادآمیز را ارسال کردند که تعداد بی‌سابقه‌ای است. زمانی که این پیام‌ها هیچ اثری ایجاد نکردند، کارکنان و دیپلمات‌ها به ابزارهای دیده‌نشده قدیمی برای انتقاد خود استفاده کردند که شامل نامه‌های سرگشاده به وزارت خارجه و سرپرست USAID بود که صدها امضا را جمع‌آوری کرده.

جلسات استماع تقریباً در تمام دفاتر برگزار می‌شد و در ماه فوریه هم جلسه‌ای با حضور بلینکن برگزار شد. اما پاسخی که از سوی مقامات ارشد به دیپلمات‌های آمریکایی در تمام سطوح داده شد، یکی بود: ما صدای نگرانی‌های شما را می‌شنویم، ما حمایت روحی و روانی از شما را پیشنهاد می‌کنیم اما سیاست تغییری نخواهد کرد. در وزارت خارجه مانند از این سو تا آن سوی دولت آمریکا، تعدادی از مقامات به‌جای همدستی با مجموعه‌ای از سیاست‌هایی که معتقدند غیرقانونی، زاینخش و غیراخلاقی است، استعفا دادند. به‌طور کلی این استعفاها به‌دلیل دخالت مستقیم افراد در این تصمیم‌گیری‌ها و شیوه مکان‌تبه آنها (مثل نقش نویسندگان این مقاله در تأیید ارسال سلاح‌های سنگین یا ابلاغ سیاست‌های آمریکا به جوامع عرب) یا به‌دلیل پیامدهای شخصی درگیری بوده است (مثل یک افسر درجه‌دار نیروی هوایی که اعضای خانواده‌اش بر اثر اصابت بمب‌های آمریکایی کشته شده بودند یا یک یهودی-آمریکایی که از